



## یادداشت

تشدید سرکوب نشانه پویایی جنبش و استیصال حکومت است

صادق کار



علی خامنه‌ای رهبر مستبد و جنایتکار رژیم در این هفته باز هم در ملاقات با تعدادی از افراد دست چین شده که گفته شد از اهالی خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان بودند تندتر از همیشه بر جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، تاخت و آن را نتیجه بحران آفرینی دولت امریکا خواند.

خامنه‌ای که هراس و وحشت از نزدیکی سالگرد جنبش و کنشهای مردمی به این مناسبت از سخنان اش هویدا بود، در سخنرانی خود به این بهانه که گویا برابر خواهی زنان و اقلیت های ملی و قومی، نقشه گروه بحران در امریکاست از جنایاتی که تا کنون برای سرکوب جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، به دستور وی صورت گرفته حمایت و با گفتن (آنها جدی هستند و ما هم با آنها جدی برخورد می کنیم) بر تشدید سرکوب جنبش که در آستانه سالگرد آن به شدت افزایش داده شده است حمایت کرد. مکان، زمان، پیام و مخاطبان خامنه‌ای کاملاً حساب شده انتخاب شده بود. بلوچستان بعنوان یکی از کانون های اصلی مقاومت انتخاب شده بود تا نشان دهد همه چیز تمام شده و اوضاع آنقدر به کنترل درآمده که رهبر حکومت به آنجا می رود و با مردم ملاقات می کند. مخاطب سخنان او اما به جای مردم ستمدیده بلوچستان که نیروهای سرکوبگر رژیم بودند. خامنه‌ای برای توجیه جنایات خود و دادن انگیزه به نیروهای سرکوبگر خود که آثار ترمز و ریزش در میان آنها عیان است، تلاش کرد با آوردن آیه "اشد من الکفار..." رفتار خود را برگرفته از رفتار پیغمبر مسلمانان جلوه دهد بلکه انگیزه آنان در سرکوب مردم را توجیه و تقویت نموده و از ریزش آنان جلوگیری به عمل آورد. او نه تنها درسده دلجویی از مردم بلوچستان که نزدیک به ۱۵۰ نفرشان را زیر رگبار تیربار ماموران سرکوب به قتل رسانده‌اند بر نیامد، بلکه با نسبت دادن جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، به دولت امریکا، از جنایات و کشتار اعمال شده علیه مردم حمایت کرد و با گفتن "آنها با ما جدی هستند و ما هم با آنها جدی برخورد می کنیم" تشدید سرکوب مردم را مورد تاکید قرار داد و خط و خطوط سرکوب های بعدی را نشان داد.

خامنه‌ای در قسمت دیگری از سخنان خود با اذعان به عقب ماندگی بلوچستان از توسعه با فرافکنی و رفع مسئولیت از خود، آن را نتیجه عمل نکردن دولتها به دستورات خود در گذشته به هنگام سفر استانی اش به بلوچستان ذکر کرد.



در مورد اتهام وابستگی جنبش انقلابی رهای بخش مردم از سیطره استبداد دینی به امریکا باید گفت دولت امریکا با انجام مذاکرات پنهان و آشکار و با واسطه و بی واسطه و با آزاد کردن ۶ میلیارد از پولهای بلوکه شده ایران در کره جنوبی، تبادل گروگانهای با زندانیان سیاسی، چشم بستن بر صادرات نفت و گاز و توافقات احتمالی اعلام نشده دیگر، رژیم او را تقویت و جنبش را تضعیف کرده است. بنا بر این اگر توطئه‌ای هم در کار بوده باشد، علیه جنبش بوده است و نه برعکس

اعتراضات در مناطق مختلف نتیجه اعمال تبعیضاتی است که موجب عدم توسعه و فقر و استبداد و بی عدالتی حکومت به تنگ آمده اند. یکی از نمونه های بارز این مناطق بلوچستان است که خامنه‌ای خود مجبور به تأیید عقب ماندگی بلوچستان از توسعه نسبت به مناطق مرکزی کشور شده است. حالا این مناطق به کانون های مقاومت جنبش زن، زندگی، آزادی تبدیل شده‌اند و خامنه‌ای دارد برای سرکوب بیشتر آنان برنامه ریزی می کند و به دنبال بهانه می گردد. تهدید دولت اقلیم کردستان برای جلوگیری از فعالیت احزاب کرد ایرانی و لشکر کشی به نواحی مرزی در واقع بهانه است برای سرکوب یکی از استوارترین مراکز مقاومت و خاستگاه اصلی جنبش زن، زندگی آزادی. دشمن اصلی همبستگی مردم ایران رژیم فقهاتی خامنه‌ای است که با اعمال و سیاستهای خود برای حفظ رژیم از حربه تفرقه بینداز و حکومت کن استفاده می کند.

خامنه‌ای مبارزه دلیرانه زنان علیه تبعیض و نابرابری تحمیل شده از سوی رژیم را کار دشمن می خواند و طوری حرف می زند، که انگار، تبعیضات طالبانی علیه زنان توسط دشمنان رژیم اعمال می شود و دولت امریکا گشت ارشاد را درست کرده و زینا و صدها زن دیگر را به قتل رسانده، کور نموده و دهها هزار نفر را روانه سیاهچالها و شکنجه خانه ها نموده و تعدادی را نیز اعدام و ترور کرده است. آنچه او از آن بعنوان دشمن نام می برد کسی به غیر از مردمی که از رژیم وی روی برتافته و مشغول مبارزه برای به زیر کشیدن آن هستند نیست

خامنه‌ای البته حق دارد بیمناک بقای رژیم خود باشد و از مردم بترسد و این چنین سراسیمه شده و برای حفظ قدرت رو به زوال اش به هر ترفندی متوسل شود. بخصوص زمانی که بخت از هر سو از او برگشته و علاوه بر اکثریت مردم، بخش بزرگی از حامیان پیشین اش از وی رویگردان شده و علنا از وی برائت می جویند. دامنه ریزش از او به میان روحانیون حوزه ها کشیده شده و از آن هم هولناکتر هم رای شدن روحانیون بریده از رژیم با سکولارهای مخالف حکومت دینی است. پیداست که در چنین اوضاع و احوالی نه رژیم قابلیت پایداری دار و نه تشدید سرکوب مانع پیشرفت جنبش می شود

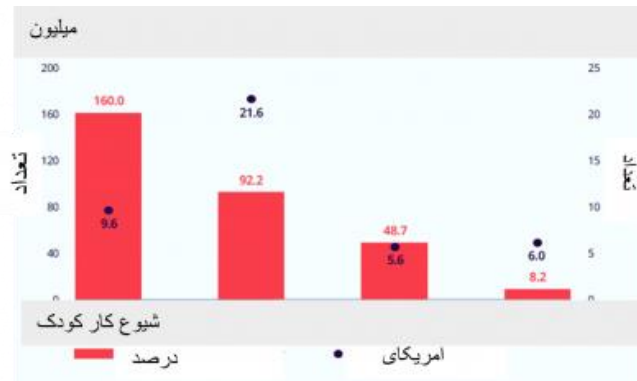
**نخستین سالگرد انقلاب فرخنده، زن، زندگی آزادی، را با برپایی اعتراض و اعتصاب و درخواست توقف سرکوب و آزادی زندانیان سیاسی برگزار کنیم!**

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!**

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!**



## نقش حمایت اجتماعی در امحای کار کودک بخش دوم گزارش مشترک سازمان بین المللی کار و سازمان یونیسف



### سمتگیریها در کار کودک و حمایت اجتماعی

#### شیوع کار کودکان در گذشته نزدیک 1.1

در دو دهه گذشته در سراسر جهان، پیشرفت قابل توجهی در کاهش کار کودکان رخ داده است. تعداد کودکانی که به کار

مشغول بودند، از سال 2000 تا 2020 قبل از شیوع کووید-19، 85.5 میلیون نفر کاهش یافت. شیوع کار کودکان نیز به طرز قابل توجهی کاهش یافت: از 16 به 9.6 درصد. پیشرفت مشابهی نیز برای کودکانی که به کارهای خطرناک اشتغال داشتند، مشاهده شد (شکل 1.1) مشاهده شد. با این حال، کاهش در شیوع کار کودکان در طول زمان کندتر و از سال 2016 متوقف شده است. بین سالهای 2016 و 2020، تعداد مطلق کودکانی که به کار [کودکان] اشتغال داشتند، بیش از هشت میلیون نفر افزایش یافت؛ از 152 به 160 میلیون کودک، که در این میان 79 میلیون نفر در شرایطی کار می کردند که مستقیماً برای سلامت و ایمنی آنها خطرآفرین بود. تعریف کار کودکان در کادر زیر آمده است

با توجه به سن، کار کودکان در میان کودکان 5 تا 11 ساله در حال افزایش است، با آخرین برآوردها نشان‌دهنده افزایش 16.8 میلیون کودک جوانتر در کار کودکان میان سالهای 2016 تا 2020 است. یک مسئله به ویژه نگران کننده این است که حدود 40 درصد از این کودکان اضافه شده به کودکان کار به کارهای خطرناک اشتغال داشته اند. بیش از 75 درصد از کودکان زیر سن حداقل کار، در کشاورزی فعالیت می کنند و حدود 83 درصد از آنان در واحدهای خرد کارگاهی خانوادگی (در مزارع یا کارگاه های غیرکشاورزی) کار می کنند

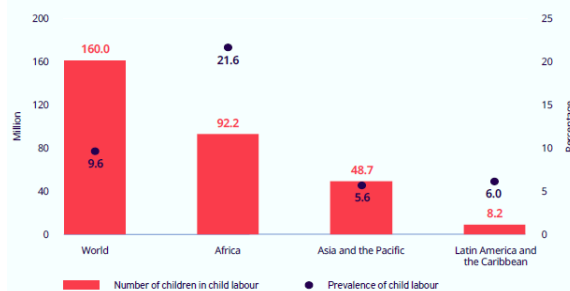
از سال 2016، سهم کودکانی که در درون خانواده کار می کنند، افزایش یافته است. این روندی است که با افزایش عمومی تعداد کودکان کم سن و سال تر در کل جمعیت کودکان کار پیوند دارد

نکته دیگر این که شیوع کار کودکان در مناطق مختلف [جهانی] به شدت متفاوت است. دیاگرام زیر تعداد کودکان کار و شیوع کار کودک (نسبت کودکان کار به جمعیت کل کودکان) را بر حسب مناطق جهانی نشان می دهد. هر دوی این داده ها بسیار نگران کننده اند: آفریقا هم از نظر تعداد کودکان و هم از نظر شیوع برجسته است. در اوایل سال 2020، شیوع کار کودکان در آفریقا 21.6 درصد بود، یعنی بیش از دو برابر میانگین جهانی

در هر منطقه نیز اختلافات مشابهی بین کشورها وجود دارد. به عنوان مثال، در جنوب آسیا نرخ کار کودکان به طور میانگین 11 درصد است و از 0.9 درصد در سریلانکا تا 23.6 درصد در افغانستان متغیر است. تعدادی عامل می توانند اختلافات منطقه ای در کار کودکان را توضیح دهند



- فقر مالی و فقر "چندبعدی" بر شیوع کار کودک اثر مستقیم دارند، زیرا کار کودک یکی از راه‌هایی است که خانواده‌های تهیدست از آن برای "مدیریت" فقر و ریسک‌های محرومیت استفاده می‌کنند. در آفریقای سیاه (آفریقای جنوب صحرا) سهم بالاتر کار کودکان با سطوح فقر حادی همراه است که دو نفر از هر پنج نفر را شامل می‌شود. نگرانی دیگر تخمینی از این دست است که نه نفر از هر ده کودک در این بخش از آفریقا تا سال 2030 در فقر شدید زندگی خواهند کرد.
- کار غیررسمی تجربه شده توسط حدود دو میلیارد کارگر در سراسر جهان منجر به درآمدهای کمتر و نامنظم، شرایط کاری ناامن و عدم پایداری شغلی بیشتر می‌شود. علاوه بر این، کار غیررسمی به معنای دسترسی کمتر یا عدم دسترسی به برنامه‌های حمایتی اجتماعی و کمک‌های اجتماعی است که هدفشان یک گروه محدود است. در آفریقا، جایی که کار کودکان در دوره مورد بررسی این گزارش افزایش یافت، شیوع کار غیررسمی بالاترین میزان را داشت: 85.6 درصد در سال 2016.
  - حمایت اجتماعی با تأمین منابع درآمد منظم و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی یا کمک‌های جبرانی برای خانواده‌ها در زمان شوک‌های اقتصادی یا بهداشتی می‌تواند به طور مؤثری نیاز خانواده‌ها را به کار کودکان به عنوان یک استراتژی احتیاطی یا مقابله‌ای کاهش دهد. با وجود پیشرفت در گسترش حمایت اجتماعی، پوشش هنوز کافی نیست و از لحاظ مناطق نیز نامتناسب است. این نکته در بخش 2.2 توضیح داده شده است.
- تعلیم و تربیت، و کودکانی که از مدرسه محروم‌اند، ارتباط محکمی با کار کودک دارند. برای کاهش کار کودکان، ضرور است که خانواده‌ها توانایی فرستادن کودکان‌شان را به مدرسه داشته باشند و عواید حاصل از تحصیل باید از آنچه نصیب کار کودک می‌شود، بیشتر باشد. در سطح جهانی، اگرچه سهم کودکان محروم از مدرسه ابتدایی در سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی کاهش یافته است، اما همچنان اختلافات منطقه‌ای بزرگی در هزینه‌های تحصیل و دسترسی به مدارس وجود دارد.
  - افزایش جمعیت در مناطق مختلف متفاوت و احتمالاً با سمت‌گیری‌های حاکم بر کار کودکان مرتبط است. در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، تعداد کودکانی که به کار اشتغال دارند، از سال 2008 تا 2020 حدود 6 میلیون کاهش یافت، زیرا جمعیت کودکان در آنجا حدود 4.8 میلیون کاهش یافت. در همین دوره، منطقه آسیا - اقیانوسیه کاهش‌ی برابر 64.9 میلیون را در تعداد کودکان مشغول به کار تجربه کرد، در حالی که جمعیت کل کودکان در این منطقه 12.8 میلیون افزایش یافت. در مقابل، در آفریقای سیاه (آفریقای جنوب صحرا) تعداد کودکانی که به کار مشغول بودند، به مقدار 21.5 میلیون افزایش یافت و همزمان جمعیت کل کودکان هم 104.8 میلیون افزایش یافت.
    - احتمالاً عوامل متعدد دیگری در کشورهای بحران‌زده عمل می‌کنند. مثلاً، هم درگیری و هم جابجایی در آفریقا نسبت به دیگر مناطق بیشتر است، و این منجر به آسیب‌هایی می‌شود که کار کودک می‌تواند مکانیزمی برای مقابله با آنها باشد. علاوه بر این، در کشورهای آسیب‌پذیر پوشش حمایت اجتماعی همچنان بسیار پایین است و نرخ فقر به طور نسبی بالا است.



تعداد و درصد کودکان کار بر حسب مناطق جهانی

**مبارزه متحدانه برای توقف اعدام‌ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!**



## کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم! اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

در ضرورت تلفیق مطالبات آزادیخواهانه با مطالبات معیشتی

صادق کار



سخنگویان گروه های اجتماعی مختلف در هر کشور احزاب سیاسی، اتحادیه ها، انجمن ها و نهادهای تشکیل شده توسط آنها هستند.

این تشکلهای معمولاً در زمینه های مختلف مطالبات گروه‌هایی که به آنها تعلق دارند را مطرح و از آنها دفاع و جهت عملی کردن شان تلاش و برنامه ریزی می کنند. در ایران اما بواسطه شرایط حاکم که همه از آن اطلاع داریم، به اکثر گروه‌ها به استثنای آنهایی که از رژیم استبدادی حمایت می کنند یا با سیاستهای آن همسو هستند اجازه داده نمی شود، خود را در هیچ نهاد مستقلی سازمان دهند. هر گاه نیز گروهی حاضر نمی شود تن به این کار بدهد و خود را به شکلی از انجا سازمان می دهد، تحت پیگرد و سرکوب قرار می گیرد و بنیان و راهبران آن باید هزینه سنگینی بابت آن بپردازند.

ممانعت از تشکل یابی باعث می شود که توده ناراضی نتواند مطالبات خود را به شکل موثر بیان و برای آن فعالیت سازمان یافته و موثر نماید و در مقابل تعرض رژیم حاکم به حق و حقوق خود ایستادگی کند.

محرومیت از داشتن تشکیلات از سوی دیگری باعث تضعیف همبستگی گردیده و به رژیم امکان می دهد سیاستهای ضد مردمی و سرکوبگرانه خود را راحتتر اعمال کند.

چند تشکل متعلق به کارگران و معلمان در آغاز جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی با وجود اطلاع از حساسیت رژیم به اشکال مختلف از آن رسماً حمایت و همراهی خود با آن را اعلام کردند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که از قبل نیز بطور پیوسته تحت پیگرد شدید پلیسی قرار داشت و همیشه چند نفر از رهبران و اعضای فعال آن در زندان به سر میبردند بواسطه حمایت از جنبش انقلابی با موج بیسابقه‌ای از هجوم و سرکوب روبرو شد و ده ها نفر از رهبران آن در نقاط مختلف کشور محاکمه و زندانی شدند. تعدادی از کار تعلیق و اخراج و عده‌ای نیز از هر نوع فعالیت اجتماعی و صنفی محروم شدند و شمار زیادی نیز به پرداخت جریمه نقدی و ندادن بخشی از حقوق شان محکوم گشتند.

رژیم بخاطر حمایت تشکل سراسری معلمان از جنبش انقلابی تا آنجا پیش رفت که رسول بدایقی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، و شعبان محمدی، را که به اتفاق رضا شهابی از رهبران سندیکای واحد با دو سندیکالیست فرانسوی به نام های سسیل کولر و ژاک پاریس در یک رستوران ملاقات کرده بودند را به



اتهام ساختگی جاسوسی پس از آزار و اذیت بسیار در سلول انفرادی به رغم ناتوانی در اثبات اتهام وارده، به زندان محکوم کرد.

در اوج جنبش بخاطر جلوگیری از همبستگی جنبش کارگری تعداد زیادی از رهبران سندیکایی و کارگری از آن جمله، رضا شهبابی، داود رضوی، حسن سعیدی، عثمان اسماعیلی و شمار دیگری بازداشت و با اتهامات جعلی به سالها زندان و مجازات های دیگر محکوم شدند.

با این همه این مجازاتها نتوانست مانع از حمایت دیگر نهادهای کارگری از جنبش انقلابی زن، زندگی آزادی و اعلام علنی آن شود.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و از سازمانگران دو اعتصاب بزرگ و طولانی کارگران پیمانی در دو نوبت جداگانه با انتشار اعلامیه هایی حمایت و همراهی خود با جنبش را اعلام و دیگران را دعوت به حمایت از جنبش نمود.

در ادامه این حمایتها ۲۰ تشکل مستقل دیگر کارگری و غیر کارگری از آن جمله شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با امضای منشوری علاوه بر اعلام حمایت خود از جنبش ضمن بیان نظرات مشترک خود راه کارهای معینی برای پیشرفت و تعالی جنبش مطرح کردند که با استقبال وسیعی از طرف نیروهای دمکراتیک و مترقی مواجه شد و تحرک های تازه ای را به همراه داشت.

اکثر احزاب و سازمانهای کارگری و اپوزیونی نیز از جنبش مترقی و آزادیخواهانه جنبش زن، زندگی، آزادی تا کنون حمایت کرده اند. روشن است که اکثر کارگران، معلمان و عموم مزد و حقوق بگیران با این جنبش و اهداف آن همسویی دارند و از اهداف آن حمایت می کنند.

همین چند نمونه که در سطور بالا ذکر شد، تصور می کنم برای اثبات همراهی و حمایت جنبش کارگری از انقلاب ژینا کافی باشد. با این وصف جنبش انقلابی برای اینکه بتواند زودتر و با هزینه کمتر به نتیجه برسد و رژیم تبهکار و استبدادی و عدالت ستیز اسلامی را از اریکه قدرت به زیر بکشد، نیازمند آن است که بتواند حمایت ها و همسویی های تا کنونی را حفظ و آنها را بیشتر کند. معیشت و تامین آن مدتهاست به دغدغه اکثریت مردم تبدیل شده و موجی از اعتراض از رژیم را بوجود آورده است و می شود ادعا کرد به همان اندازه آزادی برای مردم اهمیت پیدا کرده است. علل آن هم برمیگردد به سیاستهای نا کارآمد و عدالت ستیزانه و فساد حاکم بر رژیم. مردم خاصه آنهایی که همه روزه به خیابان می آیند و علیه وضعیت بد معیشتی به رژیم اعتراض می کنند، انتظار دارند که مطالبات معیشتی شان در کنار مطالبات سیاسی از طرف فعالان و مبارزان جنبش زن، زندگی، آزادی، مورد حمایت قرار بگیرد. اصولاً در وضعیت امروز جامعه پیروزی بر رژیم بدون تلفیق مطالبات آزادیخواهانه با مطالبات عدالت خواهانه دور از تصور است. به واقع حفظ هیچ کدام از این دو بدون دیگری ممکن نیست.

**از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت**

**تحمیلی حمایت می کنیم!**

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!**



همراهی تشکلهای حکومتی با رژیم علیه جنبش

صادق



در خبرها آمده بود تشکیلات خانه کارگر مازندران در این هفته مراسم سینه زنی و عزاداری تشکیل داده. و لابد از کارگران دعوت کرده است حالا که از فیض مادی افزایش دستمزد محروم شان کرده‌اند و دولت حاضر به افزایش دستمزدها و حقوق‌های بازنشستگی شان نشده و کاری هم از خانه کارگر برایشان ساخته نیست، برای بی نصیب نماندن از فیض معنوی در مراسم مذکور شرکت کنند تا آخوندهای حکومتی سازگاری و غناعت و بردباری در مقابل کارفرمایان و دولت و چگونگی زندگی با شکم نیمه خالی را به آنان بیاموزند.

چند عکس از یک جمعیت کوچک شرکت کننده در این مراسم نیز در خبرگزاری ایلنا منتشر شده است که در یکی از آنها دبیر اجرای خانه کارگر استان مازندران را مشغول موعظه برای جمعیت می باشد.

سخنرانی‌های انجام شده در این مراسم در راستای سیاستهای سرکوبگرانه حکومت علیه جنبش زن زندگی، آزادی است و مقصود از برگزاری این روزه خوانی‌ها که در ۲۰ و ۲۱ شهریور در حسینیه خانه کارگر قائم شهر برگزار شد را برملا و ماهیت ضد مردمی این تشکل حکومتی ضد کارگری را بیشتر روشن می کند.

به گزارش ایلنا در این مراسم علاوه بر دو آخوند حکومتی بنام‌های "حجت الاسلام سلیمانی نماینده ولی فقیه در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان و حجت الاسلام چمانی (رئیس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان قائم شهر) خانم صادقی رئیس تشکیلات زنان خانه کارگر سخنرانی کردند. صادقی در سخنرانی خود بعد از کلی تعریف و تمجید از حضرت زینب و نقش او در انقلاب اسلامی و جنگ ۸ ساله زنان ایران را به پیروی از حضرت زینب و الگو قرار دادن او که در ۱۴۰۰ سال پیش می زیست دعوت کرد!



هر دو سخنران دیگر نیز حاضران را به پیروی از اسلام ناب محمدی و مبارزه با اسلام آمریکایی فر خواندند. .  
"و... بر لزوم ترویج سنت حسنه امر به معروف و نهی از منکر در شرایط فعلی جامعه و همچنین جهاد تبیین و روشنگری آحاد جامعه در زمینه اجرای دستورات اسلام ناب محمدی در مقابل اسلام آمریکایی تأکید کردند"

یعنی در واقع به حمایت از گشت ارشاد و "حجاب بانان" آتش به اختیار دعوت کردند

گویا تشکیل دارلقران برای جلب کارگران و مردم فراری از مساجد و تکاپای حکومتی و تخته شدن درهای سه چهارم مساجد و بی مشتری ماندن کلاسهای تعلیم قرآن و شرعیات برای عبرت این جماعت، کافی نبوده که تصمیم گرفته‌اند مراکز صنفی را به مسجد و حسینیه تبدیل کنند، بلکه از این طریق کارگران و بازنشستگان را قانع کنند از تقاضاهای صنفی و مادی و انجام تظاهرات خیابانی و شعارهای مادی و مخالفت با برنامه هفتم توسعه و تغییر قوانین کار و حمایت از جنبش زن زندگی دست بردارند و بجای آن بفکر ذخیره معنوی در روز محشر باشند

آری به نظر می رسد حکومت برای پیشبرد برنامه های ضد کارگری خود و سرکوب اعتراضات و کنش و واکنشهایی که نسبت به برنامه های رژیم صورت می گیرد علاوه بر سرکوب خشن می خواهد از فریب و تحمیق مذهبی هم بیشتر از پیش استفاده کند و حالا که بیشتر کارگران و بازنشستگان رغبت رد شدن از نزدیک مساجد را ندارند، چاره کار را در آن دیده تا تبلیغات اش را به مراکز صنفی دولتی بکشانند

ترفندی ابلهانه که امروز روز دیگر صاحبان شکم های گرسنه و بی خانمان هایی را که شب و روز کار می کنند، اما نه شکم خود و خانواده هایشان را با مزدی که می گیرند می توانند سیر کنند، نه سقفی که بتوانند زیر آن زندگی کنند داشته باشند و نه استطاعت فرستادن فرزندشان به مدرسه را دارند. این جماعت ابله و کهنه اندیش و کهنه پرست بی جهت می اندیشند با توسل به شیوه هایی که کارکردشان به پایان رسیده می توانند انسانهای امروزی را تحمیق و حقوق شان را لگد مال کنند

بیهوده نیست که در اوج اعتراضات خیابانی همه ی گروه های بازنشستگان، یک تشکلی که به دروغ ادعای کارگری بودن را دارد و خود را مدافع حقوق کارگر معرفی می کند، حمایتی عملی از این اعتراضات نمی کند، در برابر زندانی کردن رهبران اعتراضات کارگران و معلمان سکوت تأیید آمیز کرده و حتی خود گاه و بیگاه مستقیم و غیر مستقیم در سرکوب آنان نقش دارد. این تشکل حکومتی در آستانه یک سالگی جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، می کوشد هم راستا با نیروهای سرکوبگر حاکم خیابانها را خلوت و معترضین را با وعده و عید به مراسم روضه خوانی و کلاس های رایگان تعلیم قرآن و شرعیات بکشاند! این ها همان هایی هستند که از همان هفته های نخست شروع جنبش تشکیل جلسه دادند و هم صدا با سرکوبگران علیه جنبش موضع گرفتند و آن را محکوم و از سرکوب آن دفاع کردند

**کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!**

**از اعتراضات و مطالبات بازنشستگان حمایت کنیم!  
نابود باد استبداد و بی عدالتی، زنده باد آزادی و برابری**





هدف لشکر کشی به کردستان، سرکوب جنبش انقلابی سراسری است!

صادق



خبر گزارى امنیتی تسنیم روز پنج شنبه گزارشی در مورد حرکت وسایل سنگین جنگی توسط نیروی "زمینی سپاه به سوی نواحی مرزی ایران با عراق را منتشر کرد و نوشت

در پی نزدیک شدن به پایان اولتیماتوم ایران به عراق برای خلع سلاح گروه‌های تروریستی تجزیه طلب در اقلیم کردستان، برخی گزارش‌های مردمی و ویدئوهای دریافتی از شهروندان نشان می‌دهد که نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حال اعزام بخشی از تجهیزات زرهی خود به این منطقه از "کشورمان است"

تهدید دولت عراق و دولت اقلیم کردستان عراق از مدتی پیش شروع و در اوج جنبش زن، زندگی به حمله موشکی و پهبادی به مقرهای احزاب کرد ایرانی در اقلیم کردستان منجر شد و باعث کشته و مجروح شدن ده ها نفر خانواده ها و مبارزان کرد شد. این حمله در شرایطی انجام گرفت که نه هیچ گلوله‌ای از طرف مقر احزاب کرد ایرانی بسوی خاک ایران شلیک شد و نه در شهرهای کردستان. رژیم در این مدت با گلوله باران مردم و کشتن تعدادی از هموطنان عزیز کرد و تحریکات جنون آمیز تلاش کرد احزاب کرد ایرانی را به درگیری مسلحانه بکشاند تا به بهانه آن بتواند خاستگاه اصلی جنبش زن، زندگی، آزادی را به خشونت بکشاند و عمده‌ترین مرکز مقاومت را به بهانه کاذب مبارزه با تجزیه طلبی در هم بشکند. این توطئه اما بواسطه هوشیاری و تشخیص درست قضایا توسط احزاب کردشکست خورد. حالا اما هدف اصلی از لشکر کشی آنطور که رژیم ادعا می کند مقرهای این احزاب با ورود نیروهای نظامی رژیم به خاک عراق نیست. حمله نظامی به خاک عراق پیامدها و هزینه های برای حکومت دارد که برای حکومت مقرون به صرفه نیست. برای احزاب کرد ایرانی این امکان وجود دارد که با تخلیه مقر های خود و جا بجایی حمله تجاوزگرانه رژیم را بی اثر کنند. اما هر حمله از طرف ایران به خاک عراق دشمنی های دیرین بین دو کشور را احیا و کشورهای عربی که هیچکدام به استثنای سوریه و تا حدودی لبنان از ایران دل خوشی ندارند را علیه ایران بسیج می کند و نفوذ رژیم در عراق را تضعیف می کند. بنا بر این می شود گفت منظور از لشکر کشی ولو اینکه چند گلوله توپ و یا موشک هم از خاک ایران بسوی مقر های خالی احزاب شلیک کنند، شهرهای کردستان ایران هستند که سرکوب خاستگاه جنبش سراسری زن، زندگی، آزادی را هدف قرار داده‌اند. بهمین جهت همه ی آزادیخواهان و مدافعان و مبارزان جنبش وظیفه دارند به هر شکل با سرکوب استوارترین پایگاه جنبش انقلابی مبارزه و از آن حمایت کنند.



اعتصاب غذا در حمایت از جنبش ژینا/مهسا  
سیزده زندانی تبعید شده به زندان قزلحصار در همراهی جنبش ژینا/ مهسا و حمایت از اعتراضات مردمی  
در ایران از امروز صبح به مدت سه روز دست به اعتصاب غذا زدند  
این سیزده زندانی که از دوازدهم شهریور ماه از زندان اوین به قزلحصار تبعید شده اند در بند امن این زندان  
و در شرایط اسفناکی نگهداری می شوند ، بطوریکه از امکانات اولیه زندان هم محروم هستند



گرامی و عزیز بداریم نام و خاطره جان باختگان مبارز و آزادیخواه جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی را در  
سالگرد جنبشی که زمین را چون زلزله زیر پای رژیم به لرزه درآورد و نافوس مرگ آن را به صدا درآورد.  
پرچمی که آنان برافراشتند به زمین نخواهد افتاد و میلیونها نفر راه آنان را تا به ثمر رساندن انقلاب ادامه  
خواهند داد



**بلوچستان محروم بیشترین تعداد جانباختگان جنبش را داده است!**

**به گفته آتنا دائمی یکی از زنان مبارز و آزاده که سالهای زیادی را بخاطر مبارزه علیه استبداد، تبعیض و بی عدالتی در سیاه چال های رژیم فقهاتی گذرانده است:**

"طبق اعلام فعالان بلوچ از ابتدای سال ۲۰۲۳ حداقل ۲۶۲ بلوچ کشته شده اند  
تن از طریق اعدام ۱۱۲  
سوخت بر ۱۸۳

تن با شلیک مستقیم ماموران ج.ا. ۵۸

آتن از طریق عدم رسیدگی پزشکی در زندان

و ۸ تن از طریق غرق شدگی در هوئگ و... با این حال با وجود تشدید جو امنیتی و حضور گسترده سرکوبگران امروز جمعه ۲۴ شهریور ۱۴۰۲ در آستانه سالگرد اعتراضات و جمعه خونین زاهدان، شهروندان بلوچ با شعار زن\_زندگی\_آزادی و برابری باز هم به خیابان آمده اند!"  
!



**بیانیه شورای اتحادیه های  
کارگری جهانی**

**اتحادیه های کارگری  
جهانی، تشدید نقض  
حقوق بشر، نقض  
حقوق کارگران و  
آزادی های مدنی در ایران  
را محکوم می کنند**



انتشار نامه‌های پنج زندانی سیاسی زن در ایران در لوموند فرانسه

گلرخ ایرایی، نرگس محمدی، زینب جلالیان سپیده قلیان و نیلوفر بیانی  
ارسال  
نسخه چاپی

روزنامه لوموند چاپ پاریس روز جمعه ۱۷ شهریور، در آستانه اولین سالگرد جان باختن مهسا امینی، پنج نوشته از پنج زندانی سیاسی زن ایرانی را منتشر کرده و به نقل از نامه یکی از آنان تیتراژ «جرم ما» «تمنای زندگی است».

چهار نفر از این زندانیان، شامل نرگس محمدی، سپیده قلیان، نیلوفر بیانی و گلرخ ایرایی اکنون در زندان اوین محبوس‌اند و نفر پنجم، زینب جلالیان، پیشتر در اوین زندانی بوده و اکنون در زندان دیگری است.

لوموند اشاره کرده که این نوشته‌ها به‌طور مخفیانه از زندان خارج شده است.



تجمع بازنشستگان کشوری در کرمانشاه  
به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز سه شنبه ۲۸ شهریور، جمعی از بازنشستگان کشوری از جمله فرهنگیان بازنشسته، مقابل دفتر صندوق بازنشستگی کشوری در کرمانشاه تجمع کردند.  
حاضران در تجمع، خواسته‌های خود را ترمیم مستمری براساس سبد معیشت، بهبود خدمات رفاهی و ارائه خدمات درمانی مکفی می‌دانند و می‌گویند: امیدی به دائمی شدن همسان‌سازی یا تخصیص بودجه مناسب برای آن نداریم.



شاخص فلاکت در ایران به ۶۰ درصد افزایش یافت  
گروه اقتصادی: بررسی آمارهای رسمی از جمله گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که «شاخص فلاکت» در پایان فصل بهار در بسیاری از استان‌های ایران روندی افزایشی داشته و از جمله در لرستان به نزدیک ۷۰ درصد رسیده است.  
گفتنی است بنا به تعریف کارشناسان اقتصادی نرخ فلاکت از حاصل جمع نرخ بیکاری و تورم بدست می‌آید. بالا رفتن نرخ فلاکت کذب بودن ادعای مقامات دولتی در مورد اینکه توانسته‌اند، نرخ تورم و بیکاری را با جعل آمار کاهش دهند را نشان می‌دهد.



ادامه اعتراضات خیابانی بازنشستگان مخابرات در ۲۷ شهریور  
بازنشستگان مخابرات، امروز دوشنبه ۲۷ شهریور در چند شهر برای خواسته هایشان تظاهرات کردند  
بازنشستگان مخابرات، اهواز، اراک، فارس، تهران، کردستان، اصفهان و لرستان در این تظاهرات که در مقابل مراکز مخابرات استانها برگزار شد، شرکت کردند  
عکس از تظاهرات بازنشستگان در تهران است

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**